

ورنر آسپنسترم

Werner Aspenstrom

ترجمه ی احمد سینا

به خوانش نفرینی نبی نالید:
ویران شوی تو ای ولایت!
ای ونیز!

این شد طی ی سه روز
ونیز رمبید.

خورشید در حجابِ تبی سخت
پیچید
و خشمی عُرآن با بادی اقلیمی

توفان ابر و لجن
پل ها را فرو ریخت
و شهر

چونان توری پاره پاره
پاشید
از دحام جزایری ویران
روی ماندابی عَفَن

اضمحلال و
قرچ و قورچ تیرک دیر
اضمحلال و

نق و نوق ناقوس کلیسا
باروهای کاخ و ایوان
چونان خم بادبان
در باد
طبله گرفتند

شیشه گران
نی های باد وزی ی ورز ابریق و انبیق را

ورنر آسپنسترم به سال ۱۹۱۸ در سوئد به دنیا آمد. در میان شاعران دهه ی چهل، ویژگی های ورنر او را از دیگر شاعران این دهه تفکیک پذیر کرده بود. شعر او چون الماس، شفاف و بُرنده، عمیق و ساده و در عین حال موجز است. او همزمان بی هیچ اختیار و انتخابی، از تکنیک های شعر کلاسیک و مدرن استفاده می برد؛ و هم چنین آمیزش امپرسیونیزمی طبیعی با طنز و تمسخری تاریخی.

سمت افق خماندند
و زرگران محتاط
انگشتران خود را زینت بخشیدند

و مرجان های سرخ پری ی دریایی
تحفه ی مشتریان سواحل شد

گله هایی از کوسه
به آوایی زیر و غمین خواندند
کبوتر
همپای مرغابیان درشت دریایی
و چهار اسب کهر
همپای گوزن ها سفر کردند

طبال ها
در زیر بار جسدها
نوبه زدند
جنگی صحرايي به خود می کوفت
تا هول خود را
به آواهایی مقطع بپوشاند
و عشق و عهد
در پشت باغ هاگم شد

ابدیتی بی سرنشین
در تابوتی از سنگ
مرگی ی وحشتناک
فواره ای به افسردگی ی زمستان
حالا، تنها

زوال زنده مانده است
سرابی شق و رق
در نفرین های نبی ای مکلف